



نگاهی به اعتقادات و مراسم زار در میان ساکنان سواحل جنوب غربی ایران

دکتر ماریا صباي مقدم

اولین نوشته در باره زار در ایران از تقی مدرسی و اولین گزارش‌ها از مراسم زار در ایران از غلامحسین ساعدی و علی ریاحی و متعلق به نزدیک به نیم قرن پیش هستند.

محدود است و در برخی فرهنگ‌ها گهگاه از زار به عنوان باد سرخ یاد می‌شود. اما باد در فرهنگ ایرانی و اسلامی به عنوان پدیده‌ای مطرح در عالم پزشکی وجود دارد.

اولین نوشته در باره زار در ایران از تقی مدرسی^۱ و اولین گزارش‌ها از مراسم زار در ایران از غلامحسین ساعدی و علی ریاحی و متعلق به نزدیک به نیم قرن پیش هستند. مدرسی از زار به عنوان یک بیماری و سرگرمی یاد می‌کند. ساعدی در اهل هوا به طور مشروح درباره ساحل‌نشینان جنوب، منطقه میناب و روستاهای میان بنادر لنگه و بوشهر و بادهایی که ساکنان این نواحی دچارشان هستند، می‌نویسد. او

مردم سواحل جنوب غربی ایران به زار به عنوان باد، روح یا موجود اثیری که در وجود آدمیان لانه می‌کند و سبب ناخوشی آنان می‌شود، اعتقاد دارند. «زار» کلمه‌ای است که در زبان فارسی و شکل خاصی از آن در زبان امهریک (زبان حبشه قدیم) وجود دارد. زار، به عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات و مراسم، در میان ساکنان کشورهای بسیاری مانند مصر، اتیوپی، سودان، عربستان، کویت و ... دیده شده است. در همه این سرزمین‌ها، اعتقاد به زار منجر به تشکیل گروه‌هایی می‌شود که در خلال برگزاری مراسم خاصی که با بخور، موسیقی و حرکات همراه است، در پی رهایی خود از زار هستند. در ایران، زار زیرمجموعه‌ای از اعتقادات وسیع مردم سواحل جنوب غربی ایران به بادهاست. ساکنان این مناطق به وجود بادها که می‌توانند مسلمان، کافر، خطرناک یا بی‌آزار باشند، معتقدند. زار به گروهی از بادهای کافر و خطرناک اطلاق می‌شود که افراد را مرکب خود می‌کند و به آزار آنان می‌پردازد. اشاره به باد در چارچوب زار، در فرهنگ کشورهای دیگر

مراسم زار منسوخ شده بود.

نحوه برگزاری مراسم در بندرعباس و جزیره قشم

مردم سواحل جنوب غربی ایران به وجود بادهایی که در وجود انسان لانه می‌کنند و او را زیر نفوذ خود درمی‌آورند، اعتقاد دارند. بادهای ممکن است بی‌آزار و بی‌خطرناک، مسلمان یا کافر باشند. ممکن است که این بادهای به اقتضای طبیعت موذی خود به آزار آدمیان پردازند یا به دلیل آزاری که از جانب انسان‌ها دیده‌اند، در پی انتقامجویی باشند. این بادهای خواسته‌هایی دارند و برای برآورده شدن خواستشان، همچون سوار، انسان‌ها را مرکب خود قرار می‌دهند و تا زمانی که خواسته آنها اجابت نشود، به زیر نمی‌آیند و مرکب خود را آسوده نمی‌گذارند. برای به‌زیر آوردن هر یک از این بادهای، روش و مراسم خاصی توسط بومیان این مناطق به‌وجود آمده است. یکی از مشهورترین این بادهای، زار است. زار به تعبیر بومیان منطقه، بادی کافر و خطرناک است که به سر افراد نفوذ می‌کند و آنان را مرکب خود می‌کند. برای برآورده کردن خواسته‌های این بادهای، گروهی که قبلاً به زار دچار شده‌اند (اهل هوا یا زاریها) تحت نظر کسی که در آرام کردن زارها تخصص دارد (مامازار یا بابازار)، در مراسم خاصی شرکت می‌کنند که در طی آن بابا یا مامازار از طریق بیمار با زار به گفت‌وگو می‌نشیند، هويت او و خواسته‌اش را درمی‌یابد و با قول اجابت خواسته، موفق می‌شود که او را آرام کند. زار مرکب انسانی خود را هیچگاه به طور قطعی رها نمی‌کند و در نتیجه حضور بیمار در کلیه مراسم زار تحت نظر بابا



همچنین به معرفی بادهای، انواع، مراسم، سازها و لوازم اهل هوا و سرگذشت بعضی بابا زارها می‌پردازد. ریاحی در زار، باد، بلوچ به تحقیقات مشابهی درباره زار (گوات) در بلوچستان می‌پردازد. از نیم قرن پیش تاکنون، تغییرات بسیاری در مناطق مختلف رخ داده و مراسم زار به نوبه خود این تغییرات را منعکس می‌کنند. زار در برخی مناطق مورد نظر در اهل هوا مانند بوشهر کاملاً منسوخ و در مناطق دیگر مثل جزیره قشم و بندرعباس دچار دگرگونی شده است. تحقیقات میدانی در ایران مربوط به سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۶ و مربوط به بندرعباس، جزیره قشم و بوشهر است. در زمان این تحقیقات، در بندرعباس زار کمتر از گذشته برگزار می‌شد و در بوشهر

یا مامازار ضروری است. از این جهت زار به نوعی فرقه یا گروه با عضویت مادام العمر زاریها تبدیل می‌شود. هیچ کس از حمله زار در امان نیست؛ پیر، جوان، زن، مرد، کودک، فقیر، ثروتمند، سیاه و سفید همه ممکن است مبتلا به زار شوند، اما قربانیان زار بیشتر زن‌ها، سیاهپوست‌ها و فقرا هستند.

کسی که مرکب زار واقع می‌شود، حال خوشی ندارد و دلیل بدحالی خود را نیز نمی‌داند و جهت علاج، به ماما یا بابازار مراجعه می‌کند. ماما یا بابازار زن یا مردی است که زار را قبلاً تجربه کرده و از پس آن برآمده، یعنی مؤفق شده که زار را به زیر بیاورد و حالش خوب شده است. این افراد که تجربه به‌زیر آوردن زارها را دارند، به نوعی نقش پزشک را در التیام‌بخشیدن به افراد بازی می‌کنند. این مردم غالباً سیاهپوست هستند و از آنجا که زارها انواع گوناگون دارند، برای به‌زیر آوردن هر نوع زار یک بابا یا ماما وجود دارد. به گفته ساکنین، هجده نوع باد جدی شناخته شده که تعدادی از آنها زار هستند، اما تعداد بادها و زارها بیش از اینهاست. ساعدی از شش تا هفت باد نام می‌برد که یکی از آنها زار است و زار به گفته ساعدی سیزده نوع دارد. ماما یا بابازار ممکن است در مهار کردن یک یا چند نوع زار مهارت داشته باشد. تشخیص نوع زار توسط ماما یا بابازار بسیار مهم است، چرا که تشخیص نوع باد، در آمدی به آرام کردن و به‌زیر آوردنش و در نتیجه بهبودی بیمار است. برخی از بادهای مشهور، امگاره، دینگه مارو، شیخ فرج، شیخ سنگر، چین یاسه، بی بی، دای کتو، بابور و مل گوون هستند.

وقتی بیمار به بابا یا مامازار مراجعه می‌کند، دو حالت

وقتی بیمار به بابا یا مامازار مراجعه می‌کند، دو حالت پیش می‌آید: بابا یا مامازار ممکن است به بیمار توصیه کند که به بیمارستان یا پزشک مراجعه نماید یا پزشک نتیجه‌ای نگرفت، نزد او بیاید. بعضی بابا یا ماماها مخالف مراجعه بیمار به پزشک و بیمارستان یا پزشک مراجعه نماید و اگر نتیجه‌ای نگرفت، نزد او بیاید. بعضی بابا یا ماماها مخالف مراجعه بیمار به پزشک و بیمارستانند، چرا که معتقدند آمپولی که پزشک تجویز می‌کند، باعث خشم زار و بدتر شدن حال بیمار می‌شود. در نهایت وقتی تشخیص داده می‌شود که بیمار زاری است (دچار زار شده) و قرار می‌شود که بابا یا مامازار به بیمار کمک کنند، این کار از طریق مراسم زار یا بازی انجام می‌شود.

پیش می‌آید: بابا یا مامازار ممکن است به بیمار توصیه کند که به بیمارستان یا پزشک مراجعه نماید و اگر نتیجه‌ای نگرفت، نزد او بیاید. بعضی بابا یا ماماها مخالف مراجعه بیمار به پزشک و بیمارستانند، چرا که معتقدند آمپولی که پزشک تجویز می‌کند، باعث خشم زار و بدتر شدن حال بیمار می‌شود. در نهایت وقتی تشخیص داده می‌شود که بیمار زاری است (دچار زار شده) و قرار می‌شود که بابا یا مامازار به بیمار کمک کنند، این کار از طریق مراسم زار یا بازی انجام می‌شود.

مراسم زار را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: بخش اول مقدمه است که شامل بخش کناره‌گیری (حجاب) بیمار است و بخش دوم شامل وارد شدن به گروه یا فرقه زاری‌هاست که اهل هوا نامیده می‌شوند. بابازار یا مامازار بیمار (زاری) را چند روز (تا هفت روز) در حجاب و دور از چشم دیگران نگه میدارد. در این مدت چشم هیچ کس نباید به وی بیفتد و فقط ماما یا بابا مواظب بیمار است. تمام شب‌هایی که مبتلا در حجاب نگه داشته می‌شود، بابا یا ماما معجون یا داروی مخصوصی به نام گره کو (که مخلوطی است از شیر خرم، گل سرخ و مواد دیگر مانند ریحان، زعفران، بوخش از هند می‌آورند) هل، جوز و گشت (چوبی که از بمبئی می‌آورند) را در گلاب خیس می‌کنند و به مدت چهل

می‌اندازند تا چشم غریبه‌ها به او نیفتد. پوشش زن‌ها چادرمانند و به رنگ سفید است و پوشش مردها مثل دیش داشه عرب‌ها و آن هم به رنگ سفید. به طور کلی، در این مراسم رنگ سفید (و گاه، سبز) حاکم مجلس است. شروع مراسم با دود کردن و گرداندن انواع بخور (مواد تند و خلسه‌آور مثل عود و کندر و گشت و غیره) است که با آن اهل هوا را به خلسه می‌برند. به اشاره بابا یا مامازار، نوازندگان حاضر در مجلس موسیقی خاصی می‌نوازند و حضاران با نوای موسیقی غنی می‌خوانند:



– یا ما یا له ما، له ما ما یع
 – سی دی گواری سه، مزور، شفا عندل گم بایه
 این مقدمه‌ای است برای ماما یا بابازار که باب آشنایی با باد را باز کند. عکس‌العمل زار به این موسیقی خاص که از طریق بیمار آشکار می‌شود، بابا یا مامازار را در تشخیص نوع زار کمک می‌کند. زار ممکن است به یک موسیقی خاص جواب بدهد و این جواب در عکس‌العمل برخی از حضاران نیز بروز می‌کند. خیلی‌ها در جمع ممکن است با این موسیقی زارشان بگیرد، یعنی به خلسه بیفتند و سرشان با حرکات عمودی تکان بخورد و شانه‌هایشان بلرزد. بنابراین موسیقی را عوض می‌کنند و کسان دیگری که با زار مربوط به موسیقی جدید آشنا هستند، ممکن است زارشان بگیرد. وقتی مریض به یکی از این موسیقی‌ها جواب داد، بدن او در حالت نشسته به جنبش درمی‌آید، سرشانه‌هایش می‌لرزند و سرش با حرکات عمودی تکان می‌خورد. این حرکات نباید به

روز در یک پیت حلبی نگاه می‌دارد و سپس آن را به تن زاری می‌کشد و مقداری هم به او می‌خوراند. صبح روز بعد از ختم دوره حجاب، بدن مریض را خوب تمیز می‌کنند و خاک هفت راه را با هفت برگ هفت گیاه بی‌خار مخلوط کرده همراه گره کو به تن وی می‌مالند. ماما یا بابازار کسانی را که قبلاً دچار زار شده بودند یا اهل هوا را فرامی‌خوانند که در بازاری شرکت کنند. غیبت زاری‌ها در مراسم زار مجاز نیست و اینان همیشه در این مراسم شرکت می‌کنند. ۲۰ تا ۴۰ نفر از اهل هوا جمع می‌شوند و بالای دیوار حیاط را با پارچه می‌پوشانند که از نگاه غریبه‌ها در امان باشد. زن‌ها در یک سمت مجلس و مردها در سمت دیگر می‌نشینند. اگر مبتلا به زار زن باشد، بین زنان و مردان پرده‌ای می‌آویزند. برای به دست آوردن دل باد سفره‌ای حاوی تخم‌مرغ، مواد خوشبو، نقل و... پهن می‌کنند. بیمار را می‌نشانند و پارچه ململ نازک سفیدی روی سر و بدن او

رقصی تند که منجر به پخش زار در بدن می‌شود، بینجامد. پس بابا یا مامازار و دستیارش حرکات زار را برای خارج شدن از بدن بیمار منظم می‌کنند. مامازار یا بابازار با خیزران (چوبی که ممکن است به رنگ چوب و ساده باشد و یا روی آن تزئینات رنگی یا حلقه‌های فلزی باشد) روی شانه‌های مریض می‌زند و می‌گوید: «طلحه» (بیا، به زبان محلی بندرعباس) که باد را هدایت کند تا به سر بیمار برسد که در اختیار بابا باشد و سرانجام آن را از گوش یا پا خارج کند. وقتی ماما یا بابازار فهمید که نوع زار این مریض کدام است، می‌تواند از طریق بیمار با زار او حرف بزند. مثلاً نوع زار مریض ممکن است بابور بوده و بابازار در مقابله با این زار ماهر باشد. پس موسیقی خاص بابور را می‌نوازند و بابا که زار را شناخته است، از طریق بیمار با او به گفت‌وگو می‌نشیند و از زار می‌پرسد که چرا بیمار را اذیت می‌کند و خواسته‌اش چیست. نوع صحبت در آن لحظه ترکیبی از واژه‌های فارسی، عربی، هندی و ... است (هم بیمار و هم بابازار). زار خواسته خود را که ممکن است مثلاً دو النگوی طلا برای بیمار یا چیزی بزرگتر باشد، به زبان می‌آورد. زار ممکن است سبک باشد و یا سنگین. خواسته زار سبک، کوچک است و خواسته زار سنگین، بزرگ. در هر حال، یک نفر اجابت خواسته را به‌عهده می‌گیرد. اگر این شخص نتواند در دم خواست زار را برآورده کند، ماما یا بابای زار تضمین می‌کند که خواست زار اجابت خواهد شد و نهایتاً زار بیمار را رها می‌کند.

بعد از آن دو سه شب بیمار را پنهان نگه می‌دارند و پس از آن بیمار رسماً به جرگه اهل هوا می‌پیوندد. بعد

از این زار او را اذیت نمی‌کند ولی در هر مجلسی با موسیقی مخصوص آن زار به حرکت و جنب و جوش درمی‌آید. اگر در طی گفت‌وگوی بابا یا مامازار با زار، مشخص شود که زار سنگین است، مسئله قربانی به میان می‌آید، چرا که زار سنگین خون می‌خواهد و طلب قربانی می‌کند. مراسم زار سنگین شبیه به مراسم زار سبک است با چندین اختلاف. در این مجلس بز (یا گوسفندی) را با آداب خاصی می‌آورند و زاری به اصطلاح سوار بز می‌شود (در واقع حالت سواری روی بز را برای دو سه گام تقلید می‌کند یا اینکه بز را بغل می‌کند). زاری‌ها که هر یک پرچمی در دست دارند، دست‌زنان دور بندیره (چوب) همراه با بز می‌چرخند. این پرچم تکه‌ای پارچه است که بابازار پس از خون‌خوردن در یک مجلس زار سنگین به زاری می‌دهد. زاری‌ها در مراسم بعدی همیشه این پرچم را با خود می‌آورند. بز را می‌کشند، خونس را در تشتی می‌ریزند و با استکان به زاری‌های خون‌خورده و به زاری هم که طلب خون کرده، می‌دهند که بخورند. شب نیز کله و جگر و گوشت زانو، زبان و گوش آن را می‌پزند و به مریض می‌دهند و بقیه گوشت قربانی صرف پختن غذایی می‌شود که به حاضران در مجلس داده می‌شود. زار ممکن است تا هفت تا خون هم بخواهد. پس از اینکه بیمار خون خورد و پرچم گرفت، به جرگه اهل هوا می‌پیوندد و نوع زارش هم مشخص است (مثلاً شیخ شنگر). از این پس او در تمامی مراسم زاری که به آنها خوانده می‌شود، شرکت می‌کند و در این مراسم، با موسیقی خاص زار مثلاً بابور یا زار شیخ شنگر به حرکت و جنبش درمی‌آید.

تحقیقات وسیعی در زمینه تعیین منشأ و مبدأ زار در میان اروپاییان صورت گرفته و به نظرات متفاوتی انجامیده است. برخی محققان قدیمی مانند فروبینیوس معتقد بودند که منشأ زار از ایران است.

نمی‌تواند النگو را بفروشد. باید همیشه در مراسم زار آن النگو را به دست داشته باشد. اگر زار لباس بخواهد، بیمار باید همیشه آن لباس را در مراسم زار به تن کند.

برقراری مراسم در ماه‌های رمضان، محرم و صفر ممکن نیست، چون این مراسم با موسیقی همراه است. سرکشی ماما یا باباها به بیماران در این ماه‌ها ادامه دارد و با سفره خاموش (بدون موسیقی) همراه است. پس از مرگ ماما، مراسمی با شرکت بابازار و مامازارها برگزار می‌شود و جانشین ماما تعیین می‌شود. به طور کلی، مامازار یا بابازار ارثی است، یعنی پس از مرگ یک بابازار یا مامازار، مجلسی با حضور همه بابازارها و مامازارهای منطقه برگزار می‌شود. در آن مجلس جانشینی که غالباً دختر، پسر یا خویشاوند ماما یا بابا است که در طول زندگی بابا یا ماما تحت نظر او آموزش دیده، سفره داشته و یا خون خورده، به عنوان بابا یا مامای جدید انتخاب می‌شود و او به نوبه خود، طی سالیان دراز، ماما یا بابازار جدیدی را آموزش می‌دهد که پس از مرگ او جانشینی داشته باشد و مراسم ادامه یابد.

منشأ زار

لازم به توضیح است که اعتقادات و مراسم زار از

گاهی اوقات ممکن است مریض مثلاً به تنهایی به صحرا یا دریا رفته باشد و ترسیده باشد. در این گونه مواقع مامازار یا بابازار از دو ریسمان دایره‌شکل (پروند و پری) برای شروع کار استفاده می‌کند. پروند ریسمان ضخیمی است که برای بالارفتن از درخت خرما درست می‌شود و پری ریسمانی نازکتر از پروند است. مامازار یا بابازار این ریسمان را به شکل حلقه‌ای در می‌آورد و حلقه را از سر بیمار پایین می‌اندازد، یعنی حلقه دور بدن بیمار قرار گرفته و به پایین می‌رود تا به زمین برسد. پس از آن مرغی سیاه یا سفید را می‌کشند و خون آن را با گلاب روی سر بیمار می‌ریزند و آن را به بدن بیمار می‌مالند. بعد برای باد سفره می‌اندازند. یعنی حلوا و مرغ و گلاب و شمع و چیزهای دیگر را به دریا یا کوه می‌برند، هر چه که باد (از طریق زن یا مرد ناخوش) گفته باشد. اگر مریض تنها به صحرا رفته باشد و ناخوش شده باشد، شیرینی را به صحرا می‌برند و اگر مریض لب دریا رفته و ترسیده باشد، شیرینی را برای باد لب دریا می‌برند و می‌گذارند، چراغ روشن می‌کنند و خود به شهر برمی‌گردند. بعد ماما یا بابا هله یاس را با روغن مخلوط می‌کند، به بدن بیمار می‌کشد و سه شب و سه روز، مریض را دور از چشم همگان نگاه می‌دارد. پس از سه شب و سه روز، آب از دریا می‌آورند و بیمار را در خانه شستشو می‌دهند و لباس نو و تمیز (سفید یا سبز) به او می‌پوشانند. عود دود می‌کنند و سه بار پروند و پری را از سر او رد می‌کنند. بعد نوبت باد می‌شود، زاری‌ها را خبر می‌کنند و مراسم می‌گیرند که شرح مراسم در بالا داده شد. محدودیت‌هایی برای خواسته‌های اجابت شده زار وجود دارد. مثلاً اگر زار النگو بخواهد، صاحب النگو



وجوه مشترک رسوم رایج بین ساکنان کشورهای بسیاری در آفریقا و خاور میانه هستند. شباهت‌های بسیار بین اعتقاد به زار و نحوه برگزاری مراسم زار در کشورهای مختلفی مانند ایران، سودان، اتیوپی، مصر و عربستان که در حال حاضر و گاه حتی در گذشته فاقد مرزهای مشترک جغرافیایی بوده‌اند و در عصر حاضر نیز الزاماً رابطه نزدیک فرهنگی، سیاسی و اجتماعی با هم ندارند و همینطور حضور غالب سیاهپوستان در قالب رهبران زار و نیز مبتلایان آن، این امکان را به وجود می‌آورد که ممکن است زار از یک نقطه شروع و به مناطق دیگر انتقال یافته باشد.

تحقیقات وسیعی در زمینه تعیین منشأ و مبدأ زار در میان اروپاییان صورت گرفته و به نظرات متفاوتی انجامیده است. برخی محققان قدیمی مانند فروبینیوس^۴

معتقد بودند که منشأ زار از ایران است. دلیل فروبینیوس برای این ادعا، خصوصیات مشترک فرهنگی ایرانیان، مردم شمال شرقی آفریقا و سودان بود. او معتقد بود که زار تجلی سیستم باستانی باورها و معتقدات ایرانی است که به حبشه و دیگر ممالک آفریقا سرایت کرده است. تقی مدرسی^۵ به امکان وجود یک منشأ دوگانه ایرانی و آفریقایی برای زار اشاره کرده است. یک دلیل برای این ادعا کلمه زار است که در زبان فارسی بسیار قدیمی است و امروزه به معنای ضعیف و ناتوان به کار می‌رود. مدرسی معتقد بود که پس از اینکه ملوانان سیاهپوست این رسم را به ایران معرفی کردند، اسم زار به این مراسم تعلق گرفت. میرزایی اصل^۶ به مبدأ آفریقایی زار اعتقاد دارد و می‌گوید که آشنایی ایرانیان با زار از طریق برده‌هایی است که در نتیجه فعالیت‌های برده‌داری در



Esclavages: Vieux Problemes, Nouvelles Perspectives (Société française d'Histoire d'Outre-mer, T. 89. pp. 336-337.

۷- افشار(سیستانی)، ایرج، بلوچستان و تمدن دیرینه آن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.

۸- دیاکونوف، ا.م، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۷.

۹- گفت و گوی نویسنده با ماماصفیه (مامازار مشهور بندرعباس)، بابا قنبر، بابا غلام، نوه مرحوم ماما حنیفه (مامازار مشهور جزیره قشم)، محققان حوزه هنری استان هرمزگان، آقایان رضایی و محمد خطیبی زاده و احمدی نسب.

قرن نوزدهم به ایران وارد شدند. سیاهپوست‌هایی که به ایران می‌آمدند، برای زنده نگه‌داشتن هویت و رسوم خود، زار را حفظ کردند. تاکنون سندی که تعیین کننده قدمت زار در ایران باشد، به دست نیامده است. اتیوپیایی‌ها به گفته هرودت، مورخ یونان باستان، در زمان وی در جنوب شرقی ایران زندگی می‌کرده‌اند، اما گزارشی مبنی بر رسوم و آیین آنان در دست نیست^{۷-۸}. دریافت اینکه آیا زار توسط آفریقایی‌ها به ایران آمده و یا دقیقاً در چه زمانی به معتقدات و رسوم ایرانیان وارد شده است، موضوع جالبی برای پژوهش‌های آینده است.

منابع و پی‌نوشت‌ها

۱- مدرسی، تقی، «یادداشت‌هایی از سفر جنوب»، تهران، ماهنامه صدف، شماره ۱۲، اسفندماه ۱۳۳۷: ۱۰۱۵-۱۰۰۴.

۲- ساعدی، غلامحسین، اهل هوا، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۵.

۳- ریاحی، علی، زار و باد و بلوچ، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶.

4- Frobenius, L., 1913. **The Voice of Africa**, vol II, London: Huchinson & co.

5- Modarressi, T. 1968. "The Zar Cult in South Iran," in **Trance and Possession States**, edited by R. Prince, pp. 149-155. Montreal: R.M. Bucke Memorial Society.

6- Mirzai Asl, B. 2002. "African Presence in Iran: Identity and its Reconstruction in the 19th and 20th centuries", in *Traites et*